

جایگاه قانونی ذیحسابان در دستگاه های دولتی

علی عفری^۱، امید احمدی^۲

^۱ دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد شوشتر، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

اغلب مشاهده می شود دستگاههای نظارتی به مواردی برخورد می کنند که منطبق با قانون نیستند بنابراین دستگاه های مذکور با فراهم آوردن مقدمات اولیه گزارشاتی را تهیه می کنند که ضمن منجر شدن به صدور احکام، مسئولین دستگاه ها را در ارائه خدمت رسانی با کندی روبرو می سازند. این موضوع بیشتر از روی تعدد قوانین؛ کمی اطلاعات مسئولین از قوانین؛ عدم هماهنگی مسئولین دستگاه ها و شاید هم با علم به موضوع صورت می پذیرد لذا در این نوشتار بصورت خلاصه در صدد مشخص نمودن جایگاه قانونی ذیحسابان (مدیران مالی) در دستگاههای دولتی هستیم. و اولین سوال این است که ذیحساب کیست و از چه زمانی در دستگاه دولتی بوجود آمده است، و انگیزه دولت از این کار چه بوده است.

واژگان کلیدی: دستگاه های نظارتی، ذیحساب، نظارت قبل از خرج.

مقدمه

ذیحساب ویا دارنده حساب ومدیرمالي دستگاههاي اجرائي دولتي كه فقط در قانون محاسبات عمومي کشور بیش از ۳۰بار از آن نام برده شده است طبق ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومي وتبصره هاي آن عهده دار اعمال نظارت وتامين هماهنگي لازم در اجرائي مقررات مالي و محاسباتي در وزارتخانه ها ومؤسسات وشركتهاي دولتي وانجام وظائف مشروحه زير را بعهده دارد..

واوراق بهادار - نگهداري حساب اموال دولتي ونظارت بر اموال مذکور ذیحساب زير نظر رئيس دستگاه اجرائي وظائف خود را انجام مي دهد. (در قانون مالي اداي وتشکيلاتي وزارت جهاد کشاورزي مصوب ۱۳۸۳/۱/۳۰ ماده ۱۴ تنفيذي قانون قبلي مصوب است كه ذیحساب دستگاههاي اجرائي بنا به پيشنهاد رئيس دستگاه وحكم وزير جهاد کشاورزي بمنظور اجرائي جزئيات ماده ۱۴ منصوب مي گردند.برخي وجود از دستگاهها كه مشمول قانون محاسبات عمومي و مواد ۳۱ و ۵۳ و ۹۱ آن نبوده ولي طبق قوانين ومقررات خاص خود داراي شخصي به عنوان مسئول ومدير امور مالي با همان وظائف ومسئوليت هاي ذیحساب ميشند و اين شخص از اين لحاظ و به مثابه ذیحساب نقش مهمي در مبارزه با فساد مالي واقتصادي دارد.) بديهي است وجود ذیحساب و وظائف ومسئوليتهايي كه ايشان دارد ونظارت مستمري كه ايشان در هنگام خرج وهزينه بعمل ميآورد ميتواند عامل مهمي در مبارزه بامفاسد مالي واقتصادي باشد. اينگونه نظارت را امروزه نظارت حين خرج ميگويند كه يكي از اهمهاي جلوگيري از بروز فساد مي باشد.

علاوه بر آن در موادي از قانون محاسبات عمومي چون ماده ۲۲ (اجازه درخواست وجه) ماده ۵۲ (نظارت مالي) ماده ۵۳ اعمال نظارت مالي (ماده ۷۶) امضاء اسناد تعهد آور وچكهاي بانكي) ماده ۹۱ (برخورد با موارد خلاف) ماده ۹۳ (تامين اعتبار موارد خلاف از سوي ذیحساب ماده ۹۵) ارائه صورتحسابهاي ماهانه را بعهده ايشان گذاره است. ضمناً در بسياري از قوانين كه بار مالي بر دولت تحميل مي نمايد نامي از ذیحساب به ميان آمده است. در بند ۲ ماده ۵ قانون برگزارتي مناقصه نيز يكي از اعضاء كميسيون مناقصه ذیحساب ويا بالاترين مسئول مالي دستگاه مي باشد. علاوه بر قانون محاسبات عمومي وقوانين ومقررات عام و خاص ديگري كه از طريق اشخاصي نظير ذیحساب ومسئول ومدير امور مالي مراقبت لازم را در اجرائي قوانين ومقررات بعمل ميآورند تا از بروز مفاسد مالي جلوگيري شود، در ماده ۳۴ قانون برنامه وبودجه سازمان برنامه وبودجه سابق ومعاونت برنامه ريزي ونظارت راهبردي رياست جمهوري فعلي موظف گرديده، به طور مستمر از عمليات طرحها و فعاليتهاي دستگاههاي اجرائي بازديد وبازرسي بعمل آورده تا مطابقت يا عدم مطابقت عمليات صورت گرفته ونتيج حاصله با هدفها وسياست هاي تعيين شده در قوانين مشخص گردد

بديهي است يكي از موارد ونقاط آسيب پذير كه در آن بيم بروز مفاسد مالي ميرود، فعاليتها و طرح هاي عمراني دستگاه ها بوده كه بعضاً در جريان اجراء آنها مشكلات ونواقصي به چشم ميخورد وبعضاً در جريان اجراء آنها حيف وميلهايي صورت ميپذيرد كه در صورت انجام نقش قانوني و وظائف محوله توسط سازمان مورد اشاره، اينگونه مفاسد كمتر به منصفه بروز و ظهور ميرسد.

ذیحساب طبق آيين نامه هاي اجرائي و در بسياري از كميسيونهاي نظارتي عضو وداراي حق راي مي باشد. ملاحظه مي شود نقش اولين حلقه نظارت ذیحساب از اهميت بسياري بر خوردار است چنين بنظر مي رسد كه هر فعاليت اقتصادي منتج به دريافت و پرداخت حضور نماينده خزانه الزامي است.

در زمان جابجايي رئوساي دستگاهها ي اجرائي تنها تشريفات اداري صدور حكم عزل ونصب مقام مسئول است ليكن اين موضوع در تغيير ذیحسابان داراي مقررات وآيين نامه هاي مي باشد كه در ماده ۹۷ قانون محاسبات آنرا مشخص نموده است. موارد فوق بخشي از دايره مسئوليت ذیحسابان است ودر مقابل حدود اختيارات ايشان بسيار محدود وشايد بتوان چنين بيان نمود كه قوه مجريه در دستگاههاي اجرائي داراي دو نماينده پاسخگو مي باشد يك رئيس دستگاه كه مجري سياست هاي دولت است و ديگري ذیحساب (مدير مالي) كه مدد كار وي است.

در نوشتار جمع آوري شده فوق سعي در خلاصه نويسي شده است هر چند گستردگي قوانين ومقررات واره اطلاعات بيشتري خود آنچنان زياد است كه مي بايستي به منابع آن مراجعه نمود. وما به عواقب بعد از خرج غير قانوني آن نمي پردازيم.

دستگاه های نظارتی

دستگاه های نظارت را میتوان به دو دسته تقسیم نمود.

الف: بیرون از دستگاه اجرای

ب: درون دستگاه اجرای

الف: بیرون از دستگاه اجرای شامل:

۱- دیوان محاسبات

دیوان محاسبات کشور مؤسسه ای دولتی است که در امور مالی و اداری مستقل می باشد و زیر نظر مجلس شورای اسلامی بعنوان بازوی نظارتی آن عمل می نماید. این دیوان به کلیه حسابهای وزارتخانه، مؤسسات، شرکت های دولتی و سایر دستگاه هائی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حساب ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظارت خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید. دیوان محاسبات در اصطلاح حقوقی چنین تعریف شده است:

دیوان محاسبات دادگاهی است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می کند که هزینه های معینه در بودجه از میزان معین شده تجاوز نکند و تغییر و تبدیل نیابد و هر وجهی در محل خود صرف شود و نیز مکلف است که در امر معاینه و تفکیک محاسبات ادارات دولتی و جمع آوری سند خرج محاسبات و صورت کلیه محاسبات مملکتی اقدام نماید.

با توجه به صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونگی ساختاری و مفهوم چنین تعریفی بطور صریح در اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی آمده است دیوان محاسبات کشور علاوه بر ستاد مرکزی مستقر در پایتخت، در کلیه مراکز استانها نیز به موجب قانون تشکیلات استانی دارد.

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات جاری مربوط، اهداف دیوان محاسبات کشور عبارتند از:

الف- اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت المال.

ب - عدم تجاوز هرگونه هزینه از اعتبارات مصوب در بودجه کل کشور.

ج- مصرف هرگونه وجهی از بودجه کل کشور در محل مصرف قانونی تعیین شده.

د- کنترل عملیات و فعالیتهای مالی کلیه وزارتخانهها، مؤسسات شرکتهای دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند.

ه- بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار در ارتباط با سیاست های مالی تعیین شده در بودجه مصوب با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاههای مربوطه
و- تهیه و تدوین گزارش تفریغ بودجه بانضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی.

همچنین وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور بر اساس مقررات جاری مربوط عبارتست از:

الف- حسابرسی یا رسیدگی کلیه حسابهای درآمد و هزینه و سایر دریافت ها و پرداخت ها و نیز صورت های مالی دستگاه ها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و ضوابط لازم الاجرا، اعم از وزارتخانهها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می نمایند و هر گونه واحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب است و یا واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است.

ب - بررسی وقوع عملیات مالی در دستگاهها به منظور اطمینان از حصول و ارسال صحیح و بموقع درآمد و یا انجام هزینه و سایر دریافت ها و پرداخت ها

ج- رسیدگی به موجودی حساب اموال و دارائی های دستگاه ها

د- بررسی جهت اطمینان از برقراری روشها و دستورالعمل های مناسب مالی و کاربرد مؤثر آنها در جهت نیل به اهداف دستگاه های مورد رسیدگی

هـ- اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل کننده موجود در دستگاههای مورد رسیدگی با توجه به گزارشات حسابرسی‌ها و رسیدگیهای انجام شده جهت حفظ حقوق بیت‌المال و- رسیدگی به حساب کسری ابوابجمعی و تخلفات مالی و هرگونه اختلاف حساب مأمورین ذیربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات مربوط

ز- اقدام در حفظ حقوق بیت‌المال در حدود قوانین و مقررات مالی

ح- تنظیم دادخواست علیه مسئول یا مسئولین خاطی از مقررات مالی و طرح در هیئت‌های مستشاری

ط- رسیدگی به مورد کسری ابوابجمعی مسئولین و طرح دادخواست علیه آنها و صدور آراء متناسب با موضوع مطروحه.

۲- سازمان بازرسی کل کشور:

بر طبق ماده ۲ قانون آئین نامه اجرایی تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، این سازمان می‌تواند از میان نیروهای امنیتی، نظامی، انتظامی، شرکت‌ها و موسسات تابع از نیروهای بازنشسته واجد شرایط برای تامین نیروهای نظارتی و بازرسی خود استفاده نماید.

بر اساس ماده ۳ قانون، سازمان بازرسی می‌تواند از قضات، متخصصان رشته‌های مختلف و اشخاص صاحب صلاحیت به منظور انجام بازرسی و اظهارنظر کارشناسی بهره مند شود که این همکاری می‌تواند به صورت دائم و یا موقت باشد. جذب سایر نیروهای مورد نیاز این سازمان نیز از میان کارمندان وزارت خانه، موسسات و شرکت‌های دولتی انجام می‌پذیرد که این جذب نیرو به صورت مامور، انتقال دائم و یا از طریق استخدام خواهد بود. به طور کلی می‌توان وظیفه سازمان بازرسی کل کشور را نظارت بر دستگاه‌های اداری به منظور اجرای صحیح قوانین دانست. به نحوی که کلیه جریان‌ها و امورات به بهترین شکل انجام شود. بر طبق ماده ۲ که در آئین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور آمده است، این سازمان می‌تواند کلیه وظایف بازرسی و نظارتی خود را به صورت نظارت مستمر، فوق العاده و موردی انجام دهد.

ب: درون دستگاه اجرای

واحد های نظارتی داخل دستگاه که همگی بعنوان نمایندگان قوه مجریه عمل می کنند عبارتند از واحدهای بازرسی و رسیدگی به شکایات و حراستها ی نیروی انسانی و فیزیکی و بازرسان قانونی ودر نهایت ذیحسابان ومدیران مالی که محور اصلی این مقاله می باشد.

ذیحساب و مدیر مالی

ذی حساب مأموری است که بموجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارائی از بین کارمندان رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و دستگاههای اجرائی محلی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی به این سمت منصوب می شود. ذیحساب ویا دارنده حساب ومدیر مالی دستگاههای اجرایی دولتی که فقط در قانون محاسبات عمومی کشور بیش از ۳۰ بار از آن نام برده شده است. بدیهی است یکی از موارد و نقاط آسیب پذیر که در آن بیم بروز مفاسد مالی میرود، فعالیتها و طرحهای عمرانی دستگاهها بوده که بعضاً در جریان اجراء آنها مشکلات و نواقصی به چشم میخورد و بعضاً در جریان اجراء آنها حیف و میلهایی صورت میپذیرد که در صورت انجام نقش قانونی و وظایف محوله توسط سازمان مورد اشاره، اینگونه مفاسد کمتر به منصفه بروز و ظهور میرسد. ذیحساب طبق آیین نامه های اجرایی و در بسیاری از کمیسیونها ی نظارتی عضو و دارای حق رای می باشد. ملاحظه می شود نقش اولین حلقه نظارت (ذیحساب) از اهمیت بسیاری بر خوردار است چنین بنظر می رسد که هر فعالیت اقتصادی منتج به دریافت و پرداخت حضور نماینده خزانه الزامی است. در زمان جابجایی روسای دستگاه های اجرایی تنها تشریفات اداری صدور حکم عزل ونصب مقام مسئول است لیکن این موضوع در تغییر ذیحسابان دارای مقررات وآئین نامه های می باشد که در ماده ۹۷ قانون محاسبات آنرا مشخص نموده است. موارد فوق بخشی از دایره مسئولیت ذیحسابان است ودر مقابل حدود اختیارات ایشان بسیار محدود و شاید بتوان چنین بیان نمود که قوه مجریه در دستگاههای اجرایی دارای دو نماینده پاسخگو می باشد یک رئیس دستگاه که مجری سیاستهای دولت است و دیگری ذیحساب (مدیر مالی) که مدد کار وی است. شرح وظایف بر اساس ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی ۱- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حسابها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت

آنها . ۲- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی . ۳- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار . ۴- نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر اموال مذکور.

نقش ذیحساب مطابق قانون محاسبات عمومی:

- ۱- اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در حوزه مسئولیت. (ماده ۳۱)
- ۲- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حسابها برطبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها (ماده ۳۱)
- ۳- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی . (ماده ۳۱)
- ۴- نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر اموال مذکور . (ماده ۳۱).
- ۵- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار . (ماده ۲۱)
- ۶- درخواست تنخواه گردان حسابداری از خزانه یا نمایندگی خزانه ، بمنظور ایجاد تسهیلات در پرداخت بعضی از هزینه های سال جاری و تعهدات قابل پرداخت سالهای قبل براساس آئین نامه . (ماده ۵۴ قانون محاسبات عمومی)
- ۷- واگذاری تنخواه گردان پرداخت از محل تنخواه گردان حسابداری با تأیید بالاترین مقام اجرائی حوزه مأموریت یا مقامات مجاز از طرف آنها به واحدها و مأموریتی که بموجب قانون و آئین نامه مربوط مجاز به دریافت تنخواه گردان هستند برای انجام برخی از هزینه ها و مراقبت در واریز بموقع آن . (مواد ۲۷ و ۵۴)
- ۸- تأمین اعتبار پس از تطبیق مورد با قوانین و مقررات مربوط . (مواد ۱۸ و ۵۰ و ۵۲ و ۵۳)
- ۹- درخواست وجه از خزانه یا نمایندگی خزانه در استان حسب مورد برای انجام هزینه ها و سایر پرداختهای دستگاه اجرائی براساس دستورالعملهای مربوط . (مواد ۲۲ و ۷۵)
- ۱۰- پرداخت هزینه ها در حدود اعتبارات مصوب تخصیص یافته به ترتیب پس از طی مراحل تشخیص ، تأمین اعتبار ، تسجیل و حواله با اعمال نظارت مالی . (مواد ۱۸ و ۲۳ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴)
- ۱۱- پرداخت علی الحساب و پیش پرداخت پس از تطبیق با قوانین و مقررات براساس دستورالعملهای مربوط و مراقبت در واریز بموقع آن . (مواد ۲۸ ، ۲۹ ، ۵۳ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱)
- ۱۲- تأمین اعتبار و پرداخت وجوه لازم برای گشایش اعتبار اسنادی مربوط به خدمات و کالاهای وارداتی و پیگیری و نظارت در واریز اسناد هزینه آنها با رعایت مقررات مربوط . (ماده ۶۲)
- ۱۳- مراقبت در پرداخت حقوق بازنشستگان و موظفین .
- ۱۴- مراقبت و نظارت بر انجام شدن پرداختها از طریق حسابهای بانکی مجاز و یا طریق دیگری که بموجب قوانین و مقررات مربوط مجاز شناخته شده است .
- ۱۵- انجام اقدامات لازم درمورد دریافت و تمرکز وجوه سپرده و فراهم آوردن موجبات رد بموقع آن به ذینفع با رعایت مقررات مربوط ضمن نگاهداری حساب وجوه مذکور . (مواد ۳۱ و ۴۱)
- ۱۶- نظارت بر وصول و ایصال درآمد و مطالبات دستگاه اجرائی مربوط و نیز مالیاتهای تکلیفی و سایر کسور قانونی .
- ۱۷- نگاهداری و تهیه و تنظیم حسابها و صورتهای مالی دستگاه اجرائی و امضاء و ارسال صورتحسابها بانضمام اسناد و مدارک مربوط درموقدمقرر به مراجع ذیربط طبق مقررات . (مواد ۳۱ و ۵۹ و ۹۹ ماده ۶ آئین نامه اجرائی قانون تفریح بودجه)
- ۱۸- درخواست افتتاح حسابهای بانکی موردنیاز دستگاه اجرائی از خزانه یا نمایندگی خزانه در استان حسب مورد . (ماده ۷۶)
- ۱۹- تأییدعامل ذیحساب و امین اموال و اعلام موافقت برای صدور احکام انتصاب آنان توسط دستگاه اجرائی . . . (مواد ۳۴ و ۳۶)
- ۲۰- تفویض اختیار به معاون و عامل ذیحساب و سایر کارکنان تحت سرپرستی درموارد و حدودی که بارعایت قانون از طرف وزارت اقتصادی و دارائی معین خواهد شد .
- ۲۱- نظارت بر حسن اجرای امور محوله به عامل ذیحساب و امین اموال باتوجه به آئین نامه های مربوط .
- ۲۲- اقدام درمورد واریزمانده وجوه اعتبارات مصرف نشده جاری حداکثر تادهم اردیبهشت ماه سال بعد ووجه اعتبارات مصرف نشده طرحهای عمرانی حداکثر تا دهم مردادماه سال بعد . (اصلاحیه ماده ۶۳ و ۶۴ مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۵)

- ۲۳- شرکت در جلسات هیأت ترک مناقصه و مزایده و سایر جلسات مالی . (مواد ۳۱ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵)
- ۲۴- تهیه و ارسال گزارشهای لازم به وزارت اموراتصادی و دارائی ، دیوان محاسبات کشور درموردیکه انجام خرجی به تشخیص ذیحساب برخلاف قانون ومقررات صورت گرفته باشد به استناد ماده ۹۱ قانون محاسبات عمومی کشور .
- ۲۵- اعلام موارد نقصان و تفریط حاصل در ابوابجمعی عاملین ذیحساب و سایر مأموریتی که بموجب مقررات مجاز به اخذ و نگهداری وجوه یا اوراق در حکم وجه نقد یا اموال می باشد .
- ۲۶- اعمال مدیریت بر کل امور ذیحسابی .
- ۲۷- همکاری و پیگیری در زمینه اجرای برنامه های آموزشی بمنظور افزایش اطلاعات و تخصص کارکنان امور مالی .
- ۲۸- انجام تحویل وتحول سوابق ذیحسابی با تنظیم وامضاء صورت مجلس وارسال به وزارت اموراتصادی ودارائی دراجرای . (ماده ۹۷ قانون محاسبات عمومی کشور و دستورالعمل اجرائی آن)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که در کشورهای مردم سالار پاسخگویی جزء لاینفک حکمرانی خوب تلقی شده و یکی از مواردی که در زنجیره ارزش نظام پاسخگویی مدنظر قرار می گیرد نظارت مالی است. نظارت مالی در کشور ما به ۲ صورت نظارت قبل از خرج و نظارت بعد از خرج انجام می شود. نظارت بعد از خرج توسط حسابرسان دیوان محاسبات کشور و نظارت قبل و حین خرج توسط ذیحسابان منصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی، به موجب ماده (۳۱) قانون محاسبات عمومی کشور انجام می شود. در ادبیات مالیه عمومی مستتر است که رعایت قوانین و مقررات اولویت اصلی انجام عملیات در بخش عمومی است، بنابراین قانونگذار در کشور تصمیم گرفته است تا از طریق نظارت متمرکز در قوه مجریه نسبت به رعایت حداکثری قوانین و مقررات اطمینان حاصل نماید. همانگونه که ذکر شد نظارت مالی قبل و حین خرج از طریق ذیحسابان منصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام می شود. امروزه با تلاش های صورت گرفته ذیحسابی به صورت یک حرفه به جامعه معرفی و شناسانده شده است. هر حرفه با توجه به اعتماد و تعامل با جامعه پیرامون خود موجودیت می یابد بنابراین می بایست با تغییرات پیش رو هماهنگ شود. از جمله تغییرات پیرامونی حرفه ذیحسابی می توان به این موارد اشاره نمود: تدوین و لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری بخش عمومی، تغییر نظام حسابداری از نقدی تعدیل شده به تعهدی، تغییر نظام بودجه ریزی از روش افزایشی به روش مبتنی بر عملکرد به نظر می رسد با توجه به تغییرات پیش رو و تغییرات نحوه عمل، نحوه نظارت نیز می بایست دستخوش تغییراتی شود.

منابع و ماخذ

۱. سیدجوادین، سیدرضا. مبانی مدیریت منابع انسانی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۸۶.
۲. شریفی، اصغر. آسیب شناسی ساختارهای نظارت در ایران و ارائه چارچوبی برای نظارت کارآمد، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش و برنامه ریزی، آبان ۱۳۸۷.
۳. عزیزی، غلامرضا، فراگرد تنظیم و کنترل بودجه دولتی بر اساس نظام آمارهای مالی دولتی، اتحادیه ناشران ایران، ۱۳۸۷.
۴. علامه حائری، فریدالدین و بهرام میرزایی بروجنی، نقش نظارتی ذیحسابان در تهیه و اجرای بودجه سازمان های دولتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دهقان، ۱۳۸۸.
۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال، ۱۳۶۶.
۶. محمدی فر، یوسف، نگاهی به شیوه های کنترل حساب و نظارت مالی در عصر باستان، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
۷. باباجانی، جعفر. (۱۳۷۸). ارزیابی مسئولیت پاسخ گویی نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولت جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. تهرانی، رضا، و برادران جعفری، حمیده. (۱۳۸۶). ارزیابی نظام مالی در کشور. فصل نامه دانش حسابرسی دیوان محاسبات کشور، ۳۰، ۴۱، ۲۲.
۹. حسینی عراقی، سیدحسین. (۱۳۸۵). کنکاشی در قوانین مالی و محاسباتی کشور. تهران: پژوهشکده امراتصادی
۱۰. دهقانی تفتی، منصور. (۱۳۸۵). بررسی میزان تاثیر عوامل موثر بر عملکرد کارکنان دیوان محاسبات کشور از نظر کارکنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۱۱. دیوان محاسبات کشور. (۱۳۸۷). تفریغ بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور. [گزارش]. تهران. مولف.
۱۲. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۷). قوانین، مقررات و آیین- نامه های دیوان محاسبات، محاسبات عمومی کشور، تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت. تهران: دیدار.
۱۳. مومنی، حامد. (۱۳۸۴). نگاهی به نقش و جایگاه دیوان محاسبات در نظام پاسخگویی مالی کشور، فصل نامه دانش حسابرسی دیوان محاسبات کشور.
۱۴. حجتی اشرفی، غلامرضا. (۱۳۸۵) مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای مالی، محاسباتی.